

سنجش نقش عوامل اجتماعی بر مشارکت شهروندان در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری (مطالعه موردی: شهر بیرجند)

1. آرش علیزاده بیرجندی، 2. کتایون علیزاده 3. حمید جعفری

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

دانشیار گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران alizadeh@mshdiau.ac.ir (نویسنده مسئول)

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران Jafari1421@mshdiau.ac.ir

چکیده

رویکرد بازآفرینی شهری، راهبردی یکپارچه از فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ارائه می‌دهد که فراگیر، رقابت‌آمیز و از لحاظ محیطی- اجتماعی پایدار است. مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی فعالیت‌های شهری، یکی از عناصر کلیدی حکومت دموکراتیک بوده است که می‌تواند در ایجاد توازن بخشی بین بخش‌های مختلف جامعه، نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. هدف مطالعه حاضر سنجش نقش عوامل مشارکت اجتماعی در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند است و با توجه به اهدافی که دنبال می‌کند در زمره تحقیقات کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی-تحلیلی مبتنی بر روش‌های تجزیه و تحلیل آماری می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش؛ کتابخانه‌ای و میدانی است. لذا در امر تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده، ابتدا با استفاده از آزمون اسمیرنف-کولموگروف، نرمال یا غیرنرمال بودن متغیرها و داده‌های حاصله آزمون گردید که همگی سطوح معناداری بالای 0/05 بدست آمد که نشان از نرمال بودن داده‌ها است. برای تحلیل هر کدام از عوامل تأثیرگذار از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون t تک نمونه‌ای، تحلیل واریانس و برای رتبه‌بندی محلات به لحاظ میزان مشارکت از تکنیک ویکور استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل ساکنین شش بافت ناکارآمد در منطقه یک بیرجند است که حجم نمونه، تعداد 371 نفر است. نتایج نشان داد که میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری اندک و ناکافی است و بیشترین عامل موثر در افزایش مشارکت مردم در طرح‌های بازآفرینی این بافت‌ها؛ مولفه شفافیت و اعتمادسازی است. همچنین تفاوت معناداری بین مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد بیرجند با نوع جنسیت، تاهل، تحصیلات، سن، نوع شغل، نوع مالکیت، سابقه سکونت، وضعیت اقتصادی و وضعیت اجتماعی وجود دارد. سطح‌بندی بافت‌های ناکارآمد به لحاظ میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری با تکنیک VIKOR نشان داد که محلات جوادیه و کارگران در وضعیت مطلوب و محلات چهاردرخت و هفده شهریور در وضعیت نیمه‌مطلوب و محله ته‌ده و موسی‌بن‌جعفر در وضعیت نامطلوب قرار گرفته‌اند.

کلمات کلیدی: مشارکت اجتماعی، بازآفرینی، بافت ناکارآمد، شهر بیرجند

مقدمه

در دهه‌های اخیر رشد شتابان شهرنشینی، توسعه و گسترش بی‌رویه شهرها، تنگناها، معضلات و پیچیدگی‌هایی را به همراه داشته است (بحرینی و همکاران، 1393). این امر از طریق افزایش روند شهرگرایی و پیچیده‌تر شدن جامعه شهری در دهه‌های اخیر، از جمله عواملی هستند که ضرورت و اهمیت مشارکت شهروندان در مدیریت و طرح‌های شهرها را بیش از پیش مورد توجه قرار داده و در واقع مشارکت شهروندان از پیش‌نیازهای اساسی برای موفقیت برنامه‌ها و به ثمر رسیدن تلاش‌های مدیران شهری شده است. به گونه‌ای که مساله مشارکت شهروندان و استفاده از قابلیت‌های آنها در پویایی فضاهای شهری از جمله مباحثی است که در دهه‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته است (فرجی و همکاران، 1399). هم‌چنین مشارکت جامعه از یک سو، کاهش هزینه‌ها در جمع‌آوری اطلاعات از سوی دیگر، سبب ساز تعیین راهکارها، توافق، تدوین قوانین، هماهنگی اعضای جامعه، نظارت و اعمال بهتر قوانین می‌شود (صالح‌پور جم و همکاران، 1399). در این میان؛ بافت ناکارآمد شهری، به عنوان بیماری شهری شناخته شده؛ به صورتی که شهر یا بخشی از یک شهر که قبلاً فعال بوده، به مرور زمان در معرض خرابی و کمبود قرار می‌گیرد (ایزدفر و رضایی، 1399). به عبارت دیگر، مراد از ناکارآمدی همان فرسودگی و کاهش کارایی بافت نسبت به میانگین بافت‌های شهری مکان مورد بررسی است، در واقع بافت ناکارآمد شهری بیانگر شرایط بد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، مسکونی، خدماتی و غیره

بافت شهری است (نوری ده بزرگ و همکاران، 1398). در این بین؛ مشارکت عمومی به طور گسترده‌ای نقش بسیار مهمی در تسهیل بازآفرینی شهری در این بافت‌ها داشته است. دولت‌ها توجه بیشتری به مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری (به ویژه در بافت‌های ناکارآمد شهری) دارند و مردم نیز به دلیل منافع خود مشارکت می‌کنند (Li & et al, 2020). بازآفرینی محله‌های شهری، که بعد از دهه 1980 به ابزاری برای سیاست شهری تبدیل شده است، تنها با استناد به پیشرفت فیزیکی شهرها قابل توضیح نیست. بازآفرینی شهری شامل همه جنبه‌های اساسی توسعه شهری است (Korkmaz and Balaban, 2020). رهیافت بازآفرینی شهری توسعه اقتصادی و گسترش رقابت، ارتقای پایداری محیط ساخته شده، افزایش هویت فرهنگی، کیفیت زندگی شهروندان و ارتقای مدیریت شهری در نواحی فرسوده، نابسامان و متروک شهری است (ایزدی و همکاران، 1399). بازآفرینی شهری فرآیند توسعه‌ای همه‌جانبه در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی به منظور ارتقای کیفیت زندگی در محدوده‌ها و محله‌های هدف بررسی در پیوند با کل شهر است (فنی و همکاران، 1399). هم‌چنین، برنامه‌های بازآفرینی با هدف بهبود شرایط اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی برای یک مکان خاص انجام می‌شود. این اقدامات برای بهبود کیفیت تأمین مسکن، محیط ساخته شده و سایر امکانات محلی، همچنین از طریق سرمایه‌گذاری در حمل و نقل یا سایر زیرساخت‌ها انجام می‌شود (Albanese & et al, 2020). لذا لزوم بازآفرینی در بافت‌های فرسوده و

اصولی چنین سیاست‌هایی بهبود کیفیت زندگی ساکنان در محلات مذکور است (Ibid,2020). لذا می‌توان بیان داشت که نظارت بر بازآفرینی و بازسازی بافت‌های ناکارآمد شهری به نظارت بر خروجی مشارکت اجتماعی در این بافت‌ها دارای اثرات تحول آفرین بر ساختار همه جانبه آحاد جامعه هدف در این محلات خواهد شد و به نوعی نشان‌دهنده اهمیت عوامل اجتماعی مشارکت اجتماعی در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری است.

بیان مساله
گسترش شتابان شهرنشینی باعث افت منزلت اجتماعی و بی‌توجهی به ارزش‌های فرهنگی و موجب گسترش محلات ناکارآمد شهری شده است (باستانی و حنایی، 1399). در واقع این مشکلات با تأثیرگذاری بر تمامی جنبه‌های شهرنشینی، روابط منطقی زندگی شهری را نابسامان نموده و کیفیت کلی و قابلیت زندگی در آنها را به شدت کاهش داده و همین‌طور زمینه ناپایداری در آنها را فراهم کرده است (وارثی و همکاران، 1391) و بسیاری از شهرها دچار رکود حیات اجتماعی- اقتصادی هستند که منجر به کاهش جذابیت در آنها شده است (مرادی و همکاران، 1398) و از آنجایی که رشد جمعیت شهرنشین در ایران نیز طی دهه‌های اخیر سریع بوده و این روند افزایشی جمعیت شهرنشین ادامه خواهد داشت، به-گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود تا سال 1400، بیش از 75% جمعیت در شهرها ساکن شوند (مرکز آمار ایران، 1395). چنین روندی موجب شده شهرهای ایران به صورت ناپایدار و ناکارآمد شکل بگیرند. ناکارآمدی یک فرآیند

ناکارآمد که نسبت به سایر بافت‌های پیرامونی خود، دچار کاهش کارایی شده‌اند، امری ضروری است (هاشمی و همکاران، 1399).

به طور کلی بازآفرینی شهری در برگزیده شبکه‌ای از اقدامات و برنامه‌های منعطف در مقیاس‌های مختلف فضایی و در مسیر اهداف توسعه پایدار است و در تمام سطوح مشارکت حداکثری تمامی کنشگران و ذی‌نفعان به ویژه مردم را به همراه دارد که اهداف آن کاهش آسیب‌های اجتماعی، یکپارچگی شبکه‌های شهری، پیش‌نگری و پیشگیری از بازتولید فقر، کاهش فقر شهری، ارتقاء هویت شهری و منزلت مکانی، افزایش تاب‌آوری شهرها، ارتقاء حکمروایی شهری، حفاظت پایدار از میراث ملموس و غیرملموس و حفاظت از زیست‌بوم‌ها می‌باشد (مودنی و همکاران، 1398). بنابراین، رویکرد بازآفرینی به بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و محیطی و غیره شهر (خاصه بافت‌های ناکارآمد شهری) توجه دارد و طیف وسیعی از فعالیت‌ها را بیان می‌کند که قابلیت زیست‌جدیدی به مناطق مضمحل، ساختمان‌های پاکسازی شده، زیرساخت‌ها و ساختمان‌های تحت بازسازی می‌دهد که به پایان عمر مفیدشان رسیده‌اند؛ زیرا نگرش کلیدی در بازآفرینی به معنا عام یعنی وضعیت کلی شهر و مردم بهبود یابد (فیروزی و همکاران، 1398). علاوه بر اینها؛ اگرچه بازآفرینی شهری مجموعه‌ای از توصیف‌گرهای نرم را در بر گرفته است، اینها به رفع تنش بنیادی میان عدالت اجتماعی محلی و رقابت اقتصادی جهانی نیز کمک نمی‌کند (Shaw and Butler, 2020) به نقل از ویسی و همکاران، 1399) و نخستین اثر

(پوراحمد و همکاران، 1389) و در ادامه تحولاتی که از دهه 1960 آغاز گردیده بود، مقوله جدید و تاثیرگذاری به عرصه اقدامات شهری وارد گردید که تحت عنوان نظریه بازآفرینی شهری، طیف وسیعی از طرح‌ها را در مناطق مختلف دربرگرفت (زنگی-آبادی و همکاران، 1393). رویکرد بازآفرینی شهری، یک راهبرد یکپارچه از فرآیند تصمیم‌سازی ارائه می‌دهد که فراگیر، رقابت‌آمیز و از لحاظ محیطی پایدار است (Luda, 2003). هم‌چنین به عقیده کوچ بازآفرینی از آرمان‌ها و دستاوردهای بازآفرینی که به صورت فرایندی از تغییرات کالبدی اساسی دیده می‌شود و تجدید حیات شهری که هر گاه نیاز به اقدام را پیشنهاد می‌دهد، در تدقیق یک رویکرد با شکست مواجه می‌گردد و بسیار فراتر حرکت می‌کند (احمدی و همکاران، 1398).

بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری می‌تواند زمینه‌ساز توسعه درونی شهرها و حفظ و احیای کالبدی و اجتماعی - فرهنگی آن‌ها باشد و از تخریب طبیعی، از یک سو و ویرانگری برنامه‌ریزی شده توسط سودجویان، از سوی دیگر، جلوگیری کند. در واقع، بازآفرینی ابزاری برای بهبود کیفیت زندگی آینده فضاها شهری است. فرایند بازآفرینی اقدامی گسترده، ادامه‌دار و مشکل‌ولی غیرممکن نیست و برای هر فضای شهری ضروری است (فنی و همکاران، 1399). این راهبرد برمبنای سیاست توسعه درون‌زای شهری بوده و اعتقاد بر این است که شهرهای موجود کشور از طریق توسعه درونی، می‌توانند پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای مردم،

فزاینده، رو به زوال و دارای اثرات تجمعی با رابطه بازخوردی میان وجوه کارکردهای شهری است که موجب آسیب‌پذیری شهر و مستعد کردن آن تا ابتلا به بحران و ایجاد عدم تعادل در سطوح و وجوه متفاوت شهر می‌شود (شرکت بازآفرینی شهری ایران، 1396). امروزه اغلب شهرها و به ویژه در شهرهای با پیشینه کهن و سابقه تاریخی، بخش قابل توجهی از شهر را بافت‌های ناکارآمد که هسته حیات شهرها تلقی می‌شود، تشکیل می‌دهد. این بافت که در فرایند زمانی طولانی شکل گرفته و تکوین یافته و امروزه در محاصره فناوری عصر حاضر گرفتار شده است، چنانچه این بافت در گذشته به مقتضای زمان دارای عملکردهای منطقی و سلسله‌مراتبی بوده، ولی امروزه از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی شده و آن گونه که باید و شاید نمی‌تواند جوابگوی نیاز ساکنان خود باشد (stryjakiewicz, 2018). ماهیت ویژه بافت ناکارآمد شهر، هر گونه بی‌توجهی به آن را از جهات مختلف بی‌اعتبار می‌سازد (نوری ده بزرگ و همکاران، 1398). به گونه‌ای که این بافت‌ها از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نهان بسیاری برخوردارند که اگر به فعلیت برسند می‌توانند در فرآیند توسعه شهر به عنوان نیروی محرک استفاده شوند (ضرابی و تهرانی، 1388). در این راستا رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در سیر تحول و تکامل خود از بازسازی، باز زنده سازی، نوسازی و توسعه مجدد به بازآفرینی و نوزایی شهری تکامل یافته و در این مسیر، گذاری را از حوزه‌ی توجه صرف به کالبد به عرصه‌ی تاکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری تجربه کرده‌اند

مدت است (kim & et al,2020). از این رو، با وجود تاکید فراوان، جای مشارکت شهروندان یا به عبارت گسترده‌تر مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری خالی است. در این بین، محدوده شهر بیرجند به دو منطقه اصلی شهری تقسیم-بندی شده که هر کدام از مناطق، نواحی و محلات کوچکتری را دربرگرفته‌اند. منطقه یک شهری در سمت شمال شهر واقع شده است که هسته اولیه شهر (محل چهار درخت) و بسیاری از بافت‌ها و عناصر تاریخی و با ارزش مانند مدرسه شوکتیه که سومین مدرسه آموزش به سبک جدید (بعد از دارالفنون و رشديه) در کشور است را در دل خود جای داده است. لذا؛ به منظور عملیاتی شدن و در جهت تحقق بعد کاربردی پژوهش، شش بافت ناکارآمد واقع در منطقه یک شهر بیرجند با مساحت حدود 390 هکتار که شامل محلات موسی‌بن‌جعفر، کارگران، جوادیه، هفده شهریور، ته ده و چهار درخت (میون ده) می‌باشد، به عنوان محدوده مورد مطالعه انتخاب گردیده است که از معضلات و ناکارآمدی‌های بافت شهری بیرجند که لزوم برنامه‌ریزی همه جانبه برای بازآفرینی به خصوص لزوم مشارکت اجتماعی آحاد جامعه را برای بازآفرینی این بافت‌ها را می‌طلبد. لذا در راستای مباحث مطرح شده، مساله اصلی این پژوهش این است که عوامل مشارکت اجتماعی چه نقشی در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد منطقه یک شهر بیرجند دارند تا بتوان از آنها استفاده بهینه را کرد.

پیشینه پژوهش

از جمله ارتقاء سرانه‌های خدمات شهری، دسترسی به امکانات زیربنایی می‌باشند و تا زمانی که در شهر ظرفیت لازم وجود دارد، استفاده از سایر سیاست‌های توسعه شهری، تحمیل هزینه‌های اضافه بر مردم و دولت است. توسعه درون‌زای شهری، بر خلاف سایر سیاست‌های توسعه شهری، سعی در استفاده از تمامی توان‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل موجود در سطح شهر برای رسیدن به شهری پایدار و مشارکتی است (آیینی و اردستانی، 1388). در مساله ساماندهی بافت‌ها توجه به نقش مردم (رویکرد مشارکتی و عوامل اجتماعی آن) برای پیشبرد اهداف بسیار مهم است و در واقع یکی از پیشرفت‌های بنیادین، مشارکت وسیع عموم مردم در تصمیم‌گیری است. مشارکت کامل تنها در جایی تحقق می‌یابد که مردم بتوانند نقش فعال در فرآیند تهیه طرح بر عهده بگیرند (Gans,1984). هسته مرکزی مفهوم مشارکت، قدرت یافتن شهروندان و تاثیرگذاری بیشتر آنها در طرح‌های شهری است. اما متأسفانه آنچه در حال حاضر در طرح‌هایی با عنوان مشارکتی در کشور اجرا می‌گردد، به هیچ وجه ناظر بر این مفهوم نبوده است. در واقع مشارکت شهروندان، شامل تمامی مراحل پروژه از برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا، نظارت و بهره‌برداری می‌شود (مرادی، 1395). در متن این بررسی نیز، مشارکت اجتماعی به عنوان یک مفهوم چند بعدی شامل چندین جنبه اصلی تعریف شده است (Mamas & et al, 2020). بنابراین، مشارکت جامعه یک عنصر بسیار مهم برای حل مشکل شهری و کمک به بازسازی و بازآفرینی طولانی

اثر علمی بر شالوده آثار دیگران آفریده می‌شود تا با مطالعه آثار دیگران بتواند دامنه مسئله تحقیق را محدود و صورتبندی جدیدی نماید و متغیرهای مهم را درجه‌بندی نماید. در این میان، نظریات و دیدگاه‌های بهسازی و بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد و فرسوده شهری غالباً در 150 سال اخیر از طرف نظریه‌پردازان به نامی همچون جان راسکین¹ (1818 - 1900)، کامیلوسیتته² (1843 -

1903)، پاتریک گدس³ (1854 - 1932)، لوکوربوزیه⁴ (1887 - 1965)، لوئیس مامفورد⁵ (1895)، کوین لینچ⁶ (1918 - 1991)، روث گلاس⁷ (1912 - 1990)، جین جیکوبز⁸ (1916 - 2006) ارائه شده است. این پژوهش در بطن خود دو مبحث اساسی مشارکت و بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند را بیان می‌کند. لذا نظر به موارد بیان شده به بیان چند مورد از مهم‌ترین مطالعات صورت گرفته پرداخته می‌شود.

جدول 1: نمونه از مطالعات پیشینه‌ای

ردیف	نویسنده	خلاصه و نتایج
1	رشیدی‌نیا (1396)	نتایج پژوهش نشان داد که به طور کلی ساکنین محدوده مورد مطالعه تمایل چندانی به مشارکت و همکاری با سازمان‌های مسئول در فرآیند بازآفرینی نداشته و نیز اعتماد آنان نسبت به اقدامات و سیاست‌های بخش حاکمیتی در سطح پایینی قرار دارد.
2	فیروزی و همکاران (1398)	رویکرد به مدیریت یکپارچه بازآفرینی شهری پایدار زمانی محقق می‌شود که روابط متقابل کنشگران این فرایند با یکدیگر به صورت آگاهانه و براساس تعامل و گفتگو و اعتماد متقابل باشد و از سوی دیگر نظام رسمی میان کنشگران اجتماع مدار، یکپارچه و متکی بر بسترهای نهادی باشد.
3	صفایی پور و دامن باغ (1398)	مولفه بازآفرینی اقتصادی بافت فرسوده مرکزی اهواز حائز بیشترین وزن نسبی است و بازآفرینی فرهنگی در رتبه دوم اهمیت قرار دارد و مولفه بازآفرینی زیست محیطی با اولویت کمتری ارزیابی شده است. بنابراین از نظر کارشناسان شهر اهواز، بازآفرینی اقتصادی دغدغه اصلی برای اقدام به بازآفرینی در این بافت است.
4	ایزدفر و رضایی (1399)	عوامل کلیدی موثر آینده بازآفرینی شهر یزد در افق 1414 شامل تحریم‌های بین‌المللی، نهادهای اجتماعی و مدنی، تورم، نهادهای موازی در اغلب بخش‌های حاکمیتی، تمرکز اداره‌ها و مراکز دولتی در پایتخت، عملکرد دستگاه‌های نظارتی و بازرسی، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، فناوری‌های نوین و بحران نظام اداری و مالی است.
5	هاشمی و علی‌مردانی (1399)	نگاه ما در ایران باید به بررسی و تبیین چگونگی استخراج روش‌های بازآفرینی از بستر میراث تاریخی ایرانی - اسلامی، متمرکز باشد.
6	فنی و همکاران (1399)	عامل مدیریتی دارای بالاترین اثرگذاری در روند بازآفرینی بافت و عامل زیست محیطی دارای کمترین اثرگذاری است.

⁵ Lewis Mumford

⁶ Kevin A. Lynch

⁷ Ruth Glass

⁸ Jane Jacobs

¹ John Ruskin

² Camillo Sitte

³ Patrick Geddes

⁴ Le Corbusier

7	زارع و همکاران (1399)	بین حس تعلق و مدت اقامت در محله و میزان مشارکت در پایداری اجتماعی محله رابطه معناداری وجود دارد و همچنین شاخص های حس تعلق به محله، اعتماد بین ساکنین محله، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده محله و رضایت از محله دارای ارتباط مستقیم و نیز شاخص های شرکت در فعالیت های جمعی، توجه به منافع ساکنین محله، همگرایی اجتماعی ساکنان و مشارکت ساکنان دارای ارتباط غیرمستقیم با پایداری اجتماعی محله است.
8	مارتی ¹ و همکاران (2019)	همپوشانی داده های بدست آمده از بهره برداری محل مبتنی بر شبکه های اجتماعی در بازآفرینی شهری نسبت به بازآفرینی هایی که سابقاً به یک منبع و داده واحد متکی بودند نسبتاً غنی تر و موثر تر هستند.
9	آلبانسه و همکاران (2020)	پروژه های بازآفرینی شهری می توانند رشد اقتصادی محلی را در کوتاه مدت و میان مدت تحریک کنند. و تنها مداخلات بزرگترین مقیاسی که به بهبود قلمرو عمومی متمرکز گردد می تواند منجر به افزایش قیمت مسکن شود اما هیچ تأثیری بر سایر نتایج اقتصادی نداشته است.
10	زابل و اون ² (2020)	شش برنامه و طرح در حوزه بازآفرینی شهر فعال بوده که این برنامه های منعکس کننده توسعه برنامه های بودجه برنامه ریزی شهری آلمان و تنوع نیازهای شهرها را روشن می سازد و این تنوع به پیچیدگی منجر می شود که کارشناسان برنامه ریزی جامعه نیاز به جستجوی برنامه های متناسب با ایده و پروژه توسعه جامعه را در حوزه بازآفرینی شهری دارا است.
11	کورکماز و بالابان ³ (2020)	سهم این پروژه در پایداری شهری حداقل بوده و برای بهبود عملکرد پایداری پروژه های بازآفرینی شهری در ترکیه، تلاش های بیشتری لازم است. با توجه به این یافته ها، پیامدهای سیاستی برای تحت فشار قرار دادن برنامه بازآفرینی شهری پایدار باید در ترکیه ایجاد شود.

منبع: مطالعات میدانی نگارنده، 1399

بر اساس سرشماری سال 1395 دارای 48500 نفر جمعیت می باشد. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه، تعداد 371 نفر بدست آمد. در این پژوهش مشارکت اجتماعی، که خود شامل مولفه های نوع مشارکت، تمایل به مشارکت و شفافیت و اعتمادسازی است، به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. در این پژوهش بازآفرینی بافت های ناکارآمد شهری دارای دو بعد اقتصادی و اجتماعی است و متغیرهای جنسیت، سن، تحصیلات، محله زندگی، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، وضعیت

در رابطه با ارتباط پیشینه های بررسی شده با پژوهش حاضر این مساله را می توان در تاکید بر دو مفهوم بازآفرینی و مشارکت مشاهده کرد و در واقع به لحاظ اهدافی که دنبال می کنند در راستای پژوهش حاضر هستند.

روش شناسی پژوهش حاضر با توجه به اهدافی که دنبال می کند در زمره تحقیقات کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر روش های تجزیه و تحلیل آماری می باشد جامعه آماری پژوهش، شامل ساکنین شش بافت ناکارآمد در منطقه یک شهرداری بیرجند است که

1 : Marti

2 : Zabel & Kwon

3 : Korkmaz & balaban

مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، نرم‌افزارهای EXCEL و SPSS است و برای ترسیم نقشه‌ها از نرم‌افزار Arc GIS استفاده شد.

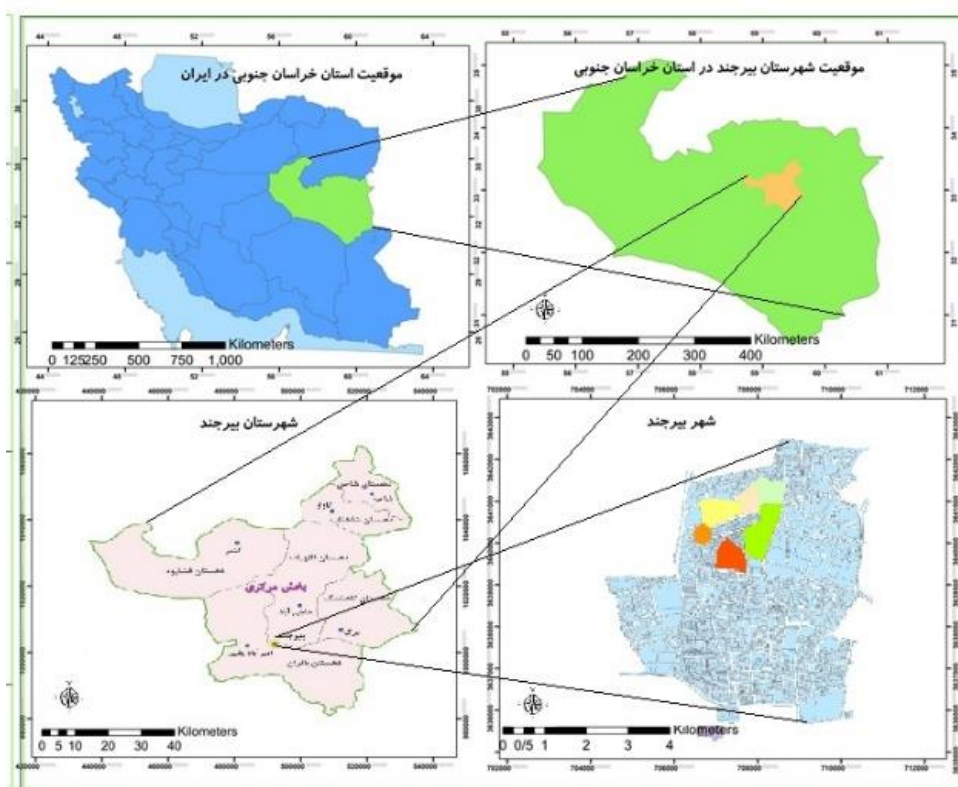
محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه منطقه یک شهر بیرجند استان خراسان جنوبی است. این شهر در 32 درجه و 53 دقیقه عرض شمالی و 59 درجه و 13 دقیقه طول شرقی واقع شده است. شش بافت ناکارآمد منطقه یک شهر بیرجند واقع شده است. این پهنه-ها در منطقه یک شهر بیرجند در گذر زمان دچار فرسودگی و ناکارآمدی شده و از این رو با مشکلات بسیاری از جمله رشد جمعیت، مشکل تامین مسکن، آشفته‌گی و نامنظمی بافت، استفاده از مصالح کم دوام و نامقاوم، عدم یا کمبود کاربری‌هایی مانند فضای سبز و ...، شبکه دسترسی و معابر نامناسب، وجود کاربری‌های ناسازگار (نزدیکی بافت به آرامستان شهر بیرجند)، وجود زمین‌های خالی و بازمانده از توسعه، وجود آلودگی‌های زیست-محیطی در محدوده (تجمع زباله و گرد و خاک)، ترکیب جمعیتی ناهمگون (وجود مهاجرین روستایی و افغانی)، وضع اقتصادی نامطلوب ساکنین، نابهنجاری‌های اجتماعی و وجود انواع جرائم به خصوص اعتیاد و فحشا، مدیریت شهری بی-توجه، عدم انگیزه برای سرمایه-گذاری، عدم یا کمبود اعتماد ساکنین بافت به عملکرد نهادها و سازمان‌های دولتی مانند شهرداری و ... روبرو بوده و این مشکلات را به کل شهر نیز تسری می‌دهند (علیزاده بیرجندی، 1395).

مالکیت، سابقه سکونت و وضعیت اجتماعی و اقتصادی، به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

پرسشنامه نقش مشارکت اجتماعی در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری یک پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که دارای 63 سوال بوده که متغیر مشارکت اجتماعی شامل سه مولفه (نوع مشارکت، تمایل به مشارکت و شفافیت و اعتمادسازی) و متغیر بازبینی بافت‌های ناکارآمد شهری شامل دو مولفه (اقتصادی و اجتماعی) می‌باشد که به منظور امتیازدهی و ارزشگذاری کمی سوالات از طیف لیکرت (1-خیلی کم 2- کم 3- متوسط 4- زیاد 5- خیلی زیاد) استفاده شده است. در نهایت سطح‌بندی بافت‌های ناکارآمد به لحاظ میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری با استفاده از مدل ویکور مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت برای اطمینان کامل در مورد روایی صوری و محتوایی پرسشنامه-های پژوهش، از نظرات اساتید و صاحب‌نظران در این زمینه استفاده شد و اصلاحات لازم لحاظ گردید. پایایی پرسشنامه‌ها با روش آلفای کرونباخ روی 30 نمونه تصادفی محاسبه می‌شود. از آنجایی که مقدار بدست آمده آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌ها و مولفه‌های آنها بالای 0/7 می‌باشد می‌توان گفت پرسشنامه‌ها از پایایی قابل قبولی برخوردار هستند.

ردیف	متغیرها	آلفای کرونباخ
1	نوع مشارکت	0/718
2	تمایل به مشارکت	0/742
3	شفافیت و اعتمادسازی	0/748
4	مشارکت اجتماعی	0/778



شکل 1: موقعیت مورد مطالعه، ترسیم: نگارنده، 1399

بحث و یافته‌ها

متغیرها در سطح ($\text{Sig} > 0/05$) از توزیع نرمالی برخوردار هستند و با فرض قرار داشتن متغیر در مقیاس فاصله‌ای می‌توان آمار پارامتریک را جهت تحلیل استفاده کرد.

قبل از پرداختن به تحلیل‌های استنباطی؛ برای نرمال بودن توزیع فراوانی متغیرهای پژوهش از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد، تا نرمال بودن توزیع آن مشخص گردد. آزمون کولموگروف - اسمیرنوف در خصوص متغیرهای پژوهش نشان داد

جدول 2: آزمون کولموگروف - اسمیرنوف مبنی بر نرمال بودن داده‌ها

نتیجه	سطح معناداری	خرده مقیاس
نرمال است	0/223	وضعیت اقتصادی
نرمال است	0/320	وضعیت اجتماعی
نرمال است	0/195	نوع مشارکت
نرمال است	0/201	تمایل به مشارکت
نرمال است	0/254	شفافیت و اعتمادسازی

منبع: مطالعات میدانی نگارنده، 1399

آمار توصیفی مربوط به وضعیت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان و نتایج آزمون همبستگی پیرسون مربوط به ارتباط

در ادامه، به بررسی وضعیت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری پرداخته شد.

2 میان این دو متغیر در جدول

نشان داده شده است.

جدول 3: آزمون همبستگی پیرسون میان وضعیت اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی ساکنان

آزمون همبستگی پیرسون		آمار توصیفی			متغیر
سطح معنی‌داری (Sig)	ضریب همبستگی	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد پاسخ‌ها	
0/001	0/526	20/316	105/2	371	مشارکت اجتماعی
		5/205	31/6	371	وضعیت اجتماعی

منبع: مطالعات میدانی نگارنده، 1399

با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری رابطه وجود ندارد، رد می‌شود. در ادامه میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری سنجیده می‌شود که نتایج آزمون **T** تک نمونه‌ای مربوط به میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در جدول 3 ارائه شده است.

با توجه به نتایج بدست آمده، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر 52 درصد بدست آمد، لذا می‌توان بیان داشت که ارتباط معنی‌داری میان وضعیت اجتماعی ساکنان وجود دارد. با توجه به اینکه در آزمون همبستگی پیرسون، سطح معنی‌داری معادل (0/001) و کمتر از 0/05 می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت اجتماعی (زیرمولفه‌های سکونت، رضایت از سکونت محله، عدم رضایت از بافت محله، مرمت و بازسازی محله، احساس تعلق به محله، آسیب‌های اجتماعی و ...)

جدول 4: آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به میزان مشارکت اجتماعی ساکنان

میانگین جامعه یا ارزش آزمون (108)						متغیر
سطح معناداری	درجه آزادی	t	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین	میانگین	
0/008	370	-2/654	20/316	-2/800	105/2	میزان مشارکت اجتماعی ساکنان

منبع: مطالعات میدانی نگارنده، 1399

(105/2) با انحراف استاندارد (20/316) که به طور معناداری ($p < 0/05$) از نمره میانگین جامعه (108) به اندازه (2/800) کمتر

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود میانگین نمره میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه نمونه

افزایش مشارکت اجتماعی دارد. به گونه‌ای که این امر از طریق نتایج آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به مولفه‌های مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در جدول 4 ارائه شده است.

بدست آمد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در حال حاضر اندک و ناکافی است. علاوه بر این میزان شفافیت و اعتمادسازی در نحوه عملکرد نهادهای دخیل در فرآیند بازآفرینی بیشترین نقش را در

جدول 5: آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به مولفه‌های مشارکت اجتماعی ساکنان

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	انحراف استاندارد	T	درجه آزادی	سطح معناداری
نوع مشارکت	2/639	-0/639	20/445	-2/041	370	0/022
تمایل به مشارکت	2/797	-0/797	20/278	-2/502	370	0/011
شفافیت و اعتمادسازی	3/118	0/118	20/225	1/905	370	0/050

منبع: مطالعات میدانی نگارنده، 1399

بازآفرینی شهری بین دو جنس (مونث و مذکر) وجود دارد. به عبارت دیگر؛ نتایج تحلیل آزمون t گروه‌های مستقل نشان داد تفاوت معناداری میان میانگین نمره میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در دو گروه مرد و زن با معناداری ($p < 0/05$) وجود دارد و میانگین مشارکت اجتماعی مردان به اندازه ($9/428$) بیشتر از زنان می‌باشد. هم چنین تفاوت معناداری میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری و وضعیت تاهل آنان با سطح معناداری ($p < 0/05$) وجود دارد. همچنین میانگین مشارکت اجتماعی افراد متاهل به اندازه ($7/886$) بیشتر از افراد مجرد می‌باشد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود آزمون t تک نمونه‌ای برای همه مولفه‌ها با توجه به سطح معناداری ($p < 0/05$) مورد تایید می‌باشد و همچنین از آنجا که میانگین مولفه شفافیت و اعتمادسازی در مشارکت ($3/118$) بیشتر از بقیه مولفه‌ها می‌باشد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که شفافیت و اعتمادسازی در نحوه عملکرد نهادهای دخیل در فرآیند بازآفرینی بیشترین نقش را در افزایش مشارکت اجتماعی دارد.

علاوه بر این در ادامه یافته‌های بدست آمده ناشی از بررسی مولفه‌های توصیفی تاثیرگذار بر میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری مشخص گردید که تفاوت معناداری میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های

جدول 6: آزمون t گروه‌های مستقل برای مقایسه نمره مشارکت اجتماعی با مولفه‌های توصیفی

مولفه	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	تفاوت میانگین	F	سطح معناداری
جنسیت	مذکر	109/2	18/459	4/547	369	9/428	5/193	0/023

					21/418	99/8	مونث	
0/044	4/093	7/886	369	3/798	18/772	108/899	متهل	تهل
					21/220	101/013	مجرد	

منبع: مطالعات میدانی نگارندگان، 1399

میان میانگین نمره میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در محله‌های مختلف با سطح معناداری ($p < 0/05$) تفاوت وجود دارد.

در ادامه با استفاده از تحلیل واریانس به بررسی مولفه‌های تاثیرگذار چندوجهی پرداخته شد. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در محله‌های مختلف وجود دارد. به گونه‌ای که

جدول 7: آزمون واریانس یک راهه برای مقایسه نمره مشارکت اجتماعی در مولفه‌های توصیفی

مولفه	گروه	میانگین	F	سطح معناداری
محلات متعدد	جوادیه	161/212	9/856	0/000
	کارگران	110/388		
	چهاردرخت	104/324		
	هفده شهریور	102/905		
	ته ده	96/826		
	موسی‌بن‌جعفر	92/793		
وضعیت تحصیلات	فوق لیسانس و بالاتر	113/761	6/732	0/000
	لیسانس	108/654		
	فوق دیپلم	102/803		
	دیپلم	102/793		
	زیردیپلم	97/856		
سنین مشارکت	زیر 25 سال	92/215	7/146	0/000
	25-35 سال	100/614		
	35-45 سال	106/277		
	45-55 سال	108/214		
	55-65 سال	113/699		
وضعیت اشتغال	شاغل بخش دولتی	113/138	8/218	0/000
	شاغل بخش خصوصی	111/666		
	بیکار و در جستجوی کار	101/804		
	خانه‌دار	106/752		
	دانشجو	94/826		
وضعیت مالکیت	ملکی	116/118	19/104	0/000
	اجاره‌ای	96/192		
	رهنی	101/310		
	سازمانی	114/877		

		109/466	وقفی	
0/000	10/583	92/975	کمتر از 5 سال	سابقه سکونت
		97/882	5-10 سال	
		103/078	10-15 سال	
		104/288	15-20 سال	
		113/104	20-25 سال	
		115/783	بالاتر از 25 سال	

منبع: مطالعات میدانی نگارندگان، 1399

گروه‌های مختلف تفاوت معناداری میان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری وجود دارد و سطح معناداری ($p < 0/05$) با فاصله اطمینان 95 درصد است. علاوه بر این، به لحاظ وضعیت مالکیت و ارتقای مشارکت اجتماعی؛ مالکین شخصی و سپس سازمانی دارای مشارکت اجتماعی بالاتری در طرح‌های بازآفرینی شهری بیرجند است و در نهایت تحلیل واریانس یک طرفه گروه‌های مختلف به لحاظ سابقه سکونت نشان‌دهنده تفاوت معنادار میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری و سطح معناداری ($p < 0/05$) با فاصله اطمینان 95 درصد است. به عبارتی میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند و سابقه سکونت در منطقه ارتباط مستقیمی وجود دارد. آزمون همبستگی و تحلیل‌های منتج شده از آن نشان داد که میان وضعیت اقتصادی با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری رابطه معناداری وجود دارد. چرا که سطح معناداری (sig) معادل (0/000) و کمتر از 0/05 با فاصله اطمینان 95 است و ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر معادل 0/612 می‌باشد. بنابراین ارتباط مثبتی بین

هم چنین تفاوت معناداری میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه‌های مختلف تحصیلات وجود دارد. به صورتی که میان میزان سطح معناداری ($p < 0/05$) است. بنابراین می‌توان بیان داشت که میان ارتقای سطح تحصیلات و میزان مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان از تفاوت معناداری میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه‌های مختلف سنی است و سطح معناداری بدست آمده ($p < 0/05$) است. لذا تحلیل استنباطی داده‌های گردآوری شده نشان‌دهنده تفاوت ارتباط مستقیم میان انواع گروه‌های سنی مختلف و میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند است. تحلیل بدست آمده نشان داد که تفاوت معناداری میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال وجود دارد و سطح معناداری ($p < 0/05$) با فاصله اطمینان 95 درصد است و با توجه به جدول بدست آمده می‌توان بیان داشت که میزان مشارکت اجتماعی به ترتیب شامل گروه‌های شاغل بخش دولتی، شاغل بخش خصوصی، خانه‌دار و غیره است. هم چنین به لحاظ وضعیت مالکیت

مشارکت اجتماعی و وضعیت اقتصادی بدست می‌آید.

جدول 8: آزمون همبستگی میان وضعیت اقتصادی - اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی ساکنان

آزمون همبستگی پیرسون		آمار توصیفی			متغیر
سطح معنی‌داری (Sig)	ضریب همبستگی	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد پاسخ‌ها	
0/000	0/612	20/316	105/2	371	مشارکت اجتماعی
		5/315	31/3	371	وضعیت اقتصادی
0/000	0/526	5/205	31/6	371	وضعیت اجتماعی

منبع: مطالعات میدانی نگارندگان، 1399

بر اساس شاخص‌های نوع مشارکت، تمایل به مشارکت، شفافیت و اعتمادسازی، انسجام اجتماعی و تعلق مکانی نشان می‌دهد، محلات جوادیه و کارگران واقع در منطقه یک شهر بیرجند به ترتیب با ارزش Q به میزان 0 و 0/21 در رتبه‌های اول و دوم جای گرفتند و از نظر میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری وضعیت مطلوبی را دارا می‌باشند و محله چهاردرخت (میون ده) با Q به میزان 0/442 در رتبه سوم و محله هفده شهریور با ارزش Q به میزان 0/584 در رتبه چهارم قرار گرفتند و از وضعیت نیمه مطلوب برخوردار می‌باشند. در این سطح‌بندی، محله ده با توجه به ارزش Q به میزان 0/722 و ضعف در شاخص‌های شفافیت و اعتمادسازی، انسجام اجتماعی، تمایل به مشارکت و نوع مشارکت در رتبه پنجم واقع شده است. همچنین محله موسی‌بن‌جعفر با Q به ارزش 1 و ضعف در شاخص‌های تعلق مکانی، شفافیت و اعتمادسازی، انسجام اجتماعی، تمایل به مشارکت و نوع مشارکت در جایگاه آخر قرار گرفته است. همان طور که از (جدول 9) پیداست محلات ته

و هم چنین بین وضعیت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر بیان شده 0/526 است که ارتباط متوسط به بالایی را نشان می‌دهد و با توجه به اینکه در آزمون همبستگی پیرسون، سطح معناداری معادل (0/000) و کمتر از 0/05 با فاصله اطمینان 0/95 است، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت اجتماعی (زیرمعیارهای رضایت از سکونت محله، عدم رضایت از بافت محله، مرمت و بازسازی محله، احساس تعلق به محله، آسیب‌های اجتماعی و...) با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری رابطه ارتباط مستقیمی دارد.

در نهایت سطح‌بندی بافت‌های ناکارآمد به لحاظ میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری با استفاده از مدل ویکور نشان داد که که پهنه‌بندی فضایی مکانی میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری در بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند را که

ده و موسی‌بن‌جعفر از وضعیت اجتماعی در بازآفرینی شهری نامطلوبی به لحاظ میزان مشارکت برخوردار می‌باشند.

جدول 9: محاسبه مقدار ویکور هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه در بافت‌های ناکارآمد

Sj	Rj	نوع مشارکت	تمایل به مشارکت	انسجام اجتماعی	شفافیت و اعتمادسازی	تعلق مکانی	شاخص بافت‌های ناکارآمد
0/732	0/29	0/034	0/077	0/197	0/29	0/134	ته ده
0/537	0/268	0	0	0/197	0/072	0/268	هفده شهریور
0/055	0/038	0/017	0/038	0	0	0	جوادیه
0/198	0/134	0/025	0/038	0	0	0/134	کارگران
0/953	0/402	0/025	0/038	0/197	0/29	0/402	موسی‌بن‌جعفر
0/459	0/197	0/017	0/038	0/197	0/072	0/134	چهاردرخت

منبع: مطالعات میدانی نگارندگان، 1399

جدول 10: محاسبه مقدار نهایی ویکور و سطح‌بندی بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند به لحاظ میزان مشارکت اجتماعی

مطلوبیت	رتبه	Q	بافت‌های ناکارآمد
نامطلوب	5	0/722	ته ده
نیمه مطلوب	4	0/584	هفده شهریور
مطلوب	1	0	جوادیه
مطلوب	2	0/21	کارگران
نامطلوب	6	1	موسی‌بن‌جعفر
نیمه مطلوب	3	0/442	چهاردرخت

منبع: مطالعات میدانی نگارندگان، 1399

نتیجه‌گیری

برای تعریف و مقوله‌سازی مشارکت اجتماعی صورت نگرفته است. هم‌اکنون در پژوهش‌های منتشر شده به زبان انگلیسی در این حوزه واژه‌های social involvement، social integration and engagement، social network، social support، social capital، social participatio، involvement با وجود تفاوت‌های رقیقی که در معنا دارند، در

مشارکت مردم و افزایش مشارکت مردم در امور شهری می‌تواند در ایجاد تعادل و هماهنگی لازم بین بخش‌های جامعه، نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. ارزش مشارکت در امور عمومی و مدنی شهری دارای سابقه بسیار طولانی است (منوریان و همکاران، 1389). با وجود تلاش‌های صورت گرفته هنوز اجماع نظری لازم

پیشنهادی اساسی و راهبردی را ارائه نماید.

برای مشخص کردن اینکه داده‌ها پارامتریک یا ناپارامتریک هستند از آزمون کولموگروف _ اسمیرنوف در خصوص متغیرهای پژوهش استفاده گردید و داده‌های بدست آمده نشان داد متغیرها در سطح $(Sig>0/05)$ از توزیع نرمالی برخوردار هستند و این امر نشان-دهنده نرمال بودن و بهنجاری داده‌ها است.

تحلیل‌های استنباطی داده‌ها نشان داد که با توجه به نتایج تحلیل-های استنباطی مربوط به میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری؛ میانگین میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه نمونه $(105/2)$ با انحراف استاندارد $(20/316)$ که به طور معناداری $(p<0/05)$ از نمره میانگین جامعه (108) به اندازه $(2/800)$ کمتر بود، لذا می‌توان نتیجه گرفت که میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در حال حاضر اندک و ناکافی است و این امر نشان دهنده این است که نقش مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری کمتر است و نتایج بدست آمده با مطالعه مریدسادات و محمدیان (1397) قرابت دارد که بیان می‌دارند که وضعیت کلی مشارکت‌پذیری مردم محله خیرآباد پایین‌تر از حد متوسط اظهار شده است و لذا لزوم شناخت عوامل موثر بر توسعه مشارکت‌پذیری در بهسازی و نوسازی بافت، بیش از پیش مورد تأیید قرار می‌گیرد. هم چنین از

معنای مشارکت اجتماعی بکار برده می‌شوند. هم چنین تحلیل مطالب چندین سایت به زبان انگلیسی که به پژوهش‌های این حوزه اختصاص دارد، به مشخص شدن 43 تعریف از مشارکت اجتماعی انجامیده است (Levasseur et.all, 2015). در نهایت می‌توان بیان داشت که مشارکت و مشارکت اجتماعی از جمله مفاهیم و مقولاتی است که ناظر بر شناسایی امور و رخدادهایی است که ماهیت راهبردی و استراتژیکی دارند و از این مقوله، یکی از معیارهای تاثیرپذیر از مشارکت اجتماعی بازآفرینی شهری است که به معنای نگرش و اقداماتی جامع و یکپارچه برای حل مشکلات شهری در منطقه هدف است که واجد اهداف بلند مدت و راهبردی و گامی فراتر از مقاصد، آرزوها و دستاوردهای نوسازی شهری، توسعه شهری و باززنده سازی شهری می‌باشد و راهبردی است که ساختاردهی مجدد اقتصادی، اجتماعی و محیطی، مهندسی و خلق مجدد را می‌طلبد و شهر - منطقه - محله را در چارچوب اهداف توسعه پایدار ترکیب می‌کند و رشد مجدد فعالیت‌های اقتصادی، ترمیم عملکرد اجتماعی و ترمیم کیفیت محیطی را سبب می‌شود (Colantonio & Dixon, 2011).

تمرکز و هدف پژوهش حاضر ارزیابی متغیرهای موثر بر بازآفرینی شهری بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند است. در واقع این پژوهش با رویکرد مشارکت اجتماعی که عوامل بیرونی بر روند بازآفرینی بافت ناکارآمد شهری تاثیر شایان توجهی خواهد گذاشت سعی بر این دارد تا با شناسایی کلیدی‌ترین متغیرهای موثر بر بازآفرینی بافت ناکارآمد شهر بیرجند

معناداری ($p < 0/05$) وجود دارد و به لحاظ تاثیر سطح تحصیلات در ارتقای میزان مشارکت اجتماعی؛ تفاوت معناداری میان میانگین میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه-های مختلف تحصیلات با معناداری ($p < 0/05$) وجود دارد. بنابراین می‌توان بیان داشت که میان ارتقای سطح تحصیلات و میزان مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد؛ یعنی افزایش سطح تحصیلات بر میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری بیرجند افزایش‌دهنده است و با نتایج Mann (2005) و نیز salehi (2007) که نشان دادند که رابطه مثبت و معنی داری میان متغیر سواد و مشارکت اجتماعی مردم وجود دارد، هم راستا است. تحلیل استنباطی داده‌های بدست آمده نشان‌دهنده ارتباط مستقیم میان تنوع گروه‌های سنی مختلف و میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند است. تفاوت معناداری میان میانگین میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال (شاغل بخش دولتی، شاغل بخش خصوصی، خانه‌دار و غیره) با معناداری ($p < 0/05$) وجود دارد و با توجه به داده‌های بدست آمده می‌توان بیان داشت که میزان مشارکت اجتماعی به ترتیب شامل گروه‌های شاغل بخش دولتی (113/138)، شاغل بخش خصوصی (111/666)، خانه‌دار (106/752) و غیره است. هم چنین تفاوت معناداری میان میانگین نمره میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در

میان عواملی همانند نوع مشارکت، تمایل به مشارکت و شفافیت و اعتمادسازی و غیره بیشترین عامل موثر در افزایش میزان مشارکت اجتماعی جامعه شهری بیرجند مربوط به عامل شفافیت و اعتمادسازی است که آزمون استنباطی برای همه مولفه‌ها با توجه به سطح معناداری ($p < 0/05$) مورد تایید است و همچنین از آنجا که میانگین مولفه شفافیت و اعتمادسازی در مشارکت (3/118) بیشتر از سایر مولفه‌ها بدست آمد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شفافیت و اعتمادسازی در نحوه عملکرد نهادهای دخیل در فرآیند بازآفرینی بیشترین نقش را در افزایش مشارکت اجتماعی دارد و این نتیجه نیز با پژوهش مریدسادات و محمدیان (1397) قرابت نزدیکی دارد که در آن مهم‌ترین اهمیت به حس‌تعلق داده شده است و پس از آن اعتماد و انسجام اجتماعی دارای اهمیت ویژه در مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی است.

تحلیل زیرمولفه‌های تاثیرگذار و نقش آنها در مشارکت اجتماعی نیز نشان داد که تفاوت معناداری میان میانگین میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری به لحاظ تاهل و نوع جنسیت وجود دارد. علاوه بر این؛ به لحاظ سکونتی، تفاوت معناداری میان میانگین نمرات میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در محله-های مختلف (جوادیه، کارگران، چهاردرخت، هفده شهریور، ته ده و موسی‌بن‌جعفر با میانگین‌های به ترتیب 102/905، 161/212، 110/388، 104/324، 96/826 و 92/793) با

با این وجود، یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پوراحمد و همکاران (1396) که به شکلی ویژه بر بازآفرینی شهری نیز تاکید دارند، به دلیل جهان‌بینی یکپارچه و تعامل‌گرایی می‌تواند نسخه بهینه‌ای برای مداخله در بافت ناکارآمد شهری باشد و نتایج پژوهش احدنژاد و نژداغی (1397) و بحرینی و همکاران (1393) نیز با یافته‌های پژوهش حاضر قرابت دارد (به نقل از صفایی‌پور و دامن باغ، 1398).

سطح‌بندی بافت‌های ناکارآمد به لحاظ میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری با استفاده از مدل ویکور (VIKOR) از طریق شاخص‌های پنجگانه (نوع مشارکت، تمایل به مشارکت، شفافیت و اعتمادسازی، انسجام اجتماعی و تعلق مکانی) صورت گرفت و تحلیل‌های بدست آمده نشان داد که محلات جوادیه و کارگران واقع در منطقه یک شهر بیرجند به ترتیب با ارزش Q به میزان 0 و 0/21 در رتبه‌های اول و دوم جای گرفتند و از نظر میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری وضعیت مطلوبی را دارا می‌باشند و محله چهاردرخت (میون ده) با Q به میزان 0/442 در رتبه سوم و محله هفده شهریور با ارزش Q به میزان 0/584 در رتبه چهارم قرار گرفتند و از وضعیت نیمه مطلوب برخوردار می‌باشند. در این سطح‌بندی، محله ته ده با توجه به ارزش Q به میزان 0/722 و ضعف در شاخص‌های شفافیت و اعتمادسازی، انسجام اجتماعی، تمایل به مشارکت و نوع مشارکت در رتبه پنجم واقع شده است. همچنین محله موسی‌بن‌جعفر با Q به ارزش 1 و ضعف در شاخص‌های تعلق مکانی، شفافیت و اعتمادسازی،

طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه‌های مختلف وضعیت مالکیت با معناداری ($p < 0/05$) وجود دارد. به لحاظ وضعیت مالکیت و ارتقای مشارکت اجتماعی؛ مالکین شخصی (116/118) و سازمانی (114/877) دارای مشارکت اجتماعی بالاتری در طرح‌های بازآفرینی شهری بیرجند است و بیشترین میزان مشارکت اجتماعی به لحاظ سابقه سکونت در میان افراد با سابقه سکونت زیاد است. به عبارتی میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند و سابقه سکونت در منطقه ارتباط مستقیمی وجود دارد.

علاوه بر این، بین وضعیت اقتصادی با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری رابطه مستقیمی وجود دارد؛ چرا که در آزمون همبستگی پیرسون، سطح معنی‌داری (sig) معادل (0/000) و کمتر از 0/05 می‌باشد و ارتباط معنی‌دار و مستقیمی میان وضعیت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان وجود دارد که می‌توان بیان داشت که وضعیت اجتماعی (زیرمولفه‌های رضایت از سکونت محله، عدم رضایت از بافت محله، مرمت و بازسازی محله، احساس تعلق به محله، آسیب‌های اجتماعی و ...) با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری رابطه مستقیمی وجود دارد و این امر با نتایج بدست آمده Feiznia و همکاران (2006) نیز که عوامل و وضعیت اجتماعی را بعد از عوامل اقتصادی به عنوان مهمترین عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی رتبه‌بندی کرده‌اند، قرابت دارد.

انسجام اجتماعی، تمایل به مشارکت و نوع مشارکت در جایگاه آخر قرار گرفته است. پیشنهادها

❖ تلاش برای فراهم نمودن عوامل ترغیب کننده در مشارکت برای بازآفرینی و حضور نهاد میانجی بی طرف در همه مراحل بازآفرینی شهری به عنوان تسهیلگر مراحل مختلف طرح؛

❖ راه اندازی سایتها و نهادهای محله محور در راستای ایجاد ارتباط مستمر با ساکنان و هم چنین اطلاع رسانی از اهداف و وظایف مدیریت محلات بافت های ناکارآمد شهری به ویژه در محلات با اولویت پایین تر به لحاظ میزان مشارکت اجتماعی از قبیل محله موسی بن جعفر و ته ده؛

❖ فراهم کردن منابع مالی پایدار در طرح های بازآفرینی شهر بیرجند که نیازمند در نظر گرفتن منابع مالی و بازده های مورد انتظار از آنها است که می تواند شامل منابع خارجی و ذی نفعان پروژه های بازآفرینی شهری بیرجند از قبیل انبوه سازان، سرمایه گذاران محلی و ایجاد صندوق ویژه محلی به منظور تامین منابع مالی در جهت بازآفرینی محلات ناکارآمد شهری باشد

منابع و مآخذ

1. احمدی، مارال؛ عندلیب، علیرضا؛ ماجدی، حمید؛ سعیده زراآبادی، زهرا السادات، 1398، تحلیلی بر جایگاه سرمایه های اجتماعی در بازآفرینی بافت فرسوده تاریخی محله امامزاده یحیی با بکارگیری معادلات ساختاری، مجله دانش

❖ ارائه اطلاعات به آحاد جامعه هدف در مورد برنامه ها، طرح ها و پروژه هایی که قرار است انجام گیرد؛ در راستای ترغیب ساکنان بافت های ناکارآمد شهری برای مشارکت بیشتر و ارائه ایده های نوین در زمینه های مختلف توسعه بازآفرینی بافتها؛

❖ اتخاذ تمهیدات و برنامه ریزی های لازم در جهت تصمیم سازی و تصمیم گیری برای بالابردن توجه مسئولین به رویکرد مشارکت اجتماعی در افزایش توجه به بازآفرینی شهری محلات ناکارآمد شهری؛

❖ تلاش در راستای فراهم سازی راهبردهایی برای ایجاد گردهمایی های محله ای جهت ارتقاء و افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان برای بازآفرینی محلات ناکارآمد شهری بیرجند؛

❖ توجه بیشتر به عملکرد رضایتمندی از اجرای مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری محلات ناکارآمد شهری توسط مردم و مسوولان با لحاظ رضایت سنجی و عملگرایی در این محلات.

شهرسازی، دوره 3، شماره 2، صص 63-49.

2. ایزدفر، الهام؛ ساسانپور، فرزانه؛ تولائی، سیمین؛ سلیمانی، محمد، 1399، بازآفرینی پایدار شهری بر پایه سناریونگاری (مورد شناسی: منطقه 14 شهرداری اصفهان)، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری-

- منطقه ای، سال دهم، شماره 34، صص 45-68.
3. ایزدفر، نجمه؛ رضایی، محمدرضا، 1399، شناسایی عوامل کلیدی موثر بر بازآفرینی پایدار شهری با رویکرد آینده پژوهی (مورد شناسی: بافت ناکارآمد شهر یزد)، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری-منطقه ای، سال دهم، شماره 34، بهار، صص 109-130.
4. ایزدی، پگاه؛ هادیانی، زهره؛ حاجی نژاد، علی؛ قادری، جعفر، 1399. تحلیل نقش هم افزایی میان نهادی در بازآفرینی شهری با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه (مطالعه موردی: منطقه 8 شهرداری شیراز)، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره 52، شماره 1 بهار، صص 261-241.
5. آیینی، محمد؛ اردستانی، زهراالسادات، 1388، هرم بازآفرینی و مشارکت مردم، معیار ارزیابی برنامه های توسعه درونزای شهری (نمونه موردی: رویکرد قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن به بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری)، فصلنامه هویت شهر، دوره 3، شماره 5، صص 47-58.
6. باستانی، مزده، حنایی، تکتیم، 1399، مطالعه تطبیقی تاب اوری اجتماعی در راستای اهداف بازآفرینی شهری، نمونه موردی محلات ایران، فیلیپین و مالزی، نشریه علمی و پژوهشی شهر ایمن، دوره 3، شماره 9.
7. بحرینی، سید حسین؛ ایزادی، محمد سعید، مفیدی، مهرانوش، 1392، رویکردها و سیاست های نوسازی شهری، فصلنامه مطالعات شهری، سال سوم، شماره 17، صص 17-29.
8. پوراحمد، احمد، کشاورز، مهناز، علی اکبری، اسماعیل، هادوی، فرامز (1396)، بازآفرینی پایدار بافت های ناکارآمد شهری، مورد مطالعه منطقه 10 تهران، فصلنامه آمایش محیط، دوره دهم، شماره 37، صص 167-194.
9. زارع، الهام؛ فرامرزی اصل، مهسا؛ عباسی پارام، الناز، 1399، بررسی نقش مشارکت اجتماعات محلی در توسعه پایدار اجتماعی شهرها، مجله معماری و شهر پایدار، سال ششم، شماره اول، صص 101-117.
10. زنگی آبادی، علی؛ زنگنه، مهدی، 1393. شهروندی مشارکتی و نقش آن در بهینه سازی مدیریت شهری، مطالعه موردی: منطقه یک شهر مشهد، پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، دوره 2، شماره 2، صص 238 - 219.
11. شرکت بازآفرینی شهری ایران، 1396، شناسایی محله ها و محدوده های ناکارآمد هدف بازآفرینی شهری و راهکارهای اجرایی آن، وزارت راه و شهرسازی، مهندسین مشاور شاران، زمستان.
12. صالح پور جم، امین؛ رسولی، فهیمه؛ سررشته داری، امیر؛ مصطفایی، جمال؛ کیا کیانیان، محمد، 1399. بررسی شاخص های اجتماعی موثر در عدم مشارکت مردمی در طرح های منابع طبیعی با کاربرد روش **AHP** و آزمون های پارامتریک، نشریه علمی - پژوهشی مهندسی و مدیریت آبخیز، جلد 12، شماره 1، صص 330-339.
13. صفایی پور، مسعود؛ دامن باغ، صفیه، 1398، تحلیل مولفه های بازآفرینی شهری در بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز، نشریه علمی - پژوهشی برنامه ریزی توسعه کالبدی، سال چهارم، شماره 3، پیاپی 15، صص 103-122.
14. ضرابی، المیرا؛ تهرانی، فریده، 1388، رویکرد مشارکتجویانه در نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده شهری، آرمان شهر، شماره 2، بهار و تابستان، صص 39-46.
15. فرجی، سیدجلال الدین، خبازی چال شتری، مصطفی، احمدی، شفیقه، 1399، نقش مشارکت شهروندان در

22. نوری ده بزرگ، محمد؛ رضویان، محمدتقی؛ قورچی، مرتضی، 1398. سنجش مولفه های موثر بر کیفیت زندگی اجتماعی در عرصه بافت های ناکارآمد شهری، فصلنامه علمی فضای جغرافیایی، سال نوزدهم، شماره 67، صص 217-241.
23. هاشمی، الناز؛ علیمردانی، مسعود، 1399، بررسی ابعاد چارچوب مفهومی بازآفرینی حفاظت محور در بافت های شهری تاریخی ایران، نشریه علمی و تخصصی شباک، سال ششم، شماره 2، پیاپی 53، صص 32-46.
24. هاشمی، محمدرضا؛ شیعه، اسماعیل؛ ذبیحی، حسین، 1399، مکان یابی موقعیت پردازش های محرک توسعه در بافت های ناکارآمد شهری (مورد پژوه: ناحیه 2 منطقه 18 شهرداری تهران)، نشریه علمی باغ نظر، سال هفدهم، شماره 84، صص 62-51.
25. وارثی، حمیدرضا؛ تقوایی، مسعود؛ رضایی، نعمت‌الله، 1391، ساماندهی بافت فرسوده شهری (نمونه موردی: شهر شیراز)، مجله علمی - تخصصی برنامه ریزی فضایی، (2) 2: صص 129-156.
26. Albanese Giuseppe., Ciani Emanuele., de Blasio Guido., 2020, nything new in town? The local effects of urban regeneration policies in Italy, Regional Science and Urban Economics, vol 86, <https://doi.org/10.1016/j.regsciurbeco.2020.03623>.
27. Colantonio, A. & Dixon, T. 2011, Urban regeneration and social sustainability: Best practice from European cities, Publisher John Wiley & Sons.
28. Gans, H. J. 1984, Planing for People, not Bulding. Enviroment and planning Journal vol 1, 33-46 tetural journals.
29. Kim, gunwoo., newman, galan., jiang, bin., 2020, Urban regeneration: Community engagement process for vacant land in declining cities, cities, vol 102, 102730, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102730>.
30. Korkmaz, C., and Balaban, O., 2020, Sustainability of Urban Regeneration in Turkey: Assessing the Performance of the North Ankara Urban Regeneration Project, Habitat International, Vol. 95, 102081.
- ارتقای امنیت و توسعه اجتماعی، دو فصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، سال هفتم، شماره اول، صص 97-124.
16. فنی، زهره؛ توکلی نیا، جمیله؛ بیرانوندزاده، مریم، 1399، کاربست تحلیلی- ساختاری بازآفرینی پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر خرم آباد)، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره 52، شماره 1، صص 181-197.
17. فیروزی، محمدعلی؛ امان پور، سعید؛ زارعی، جواد، 1398، تحلیل بسسترهای نهادی تحقق مدیریت یکپارچه در بازآفرینی شهری پایدار بافت های فرسوده (منطقه موردی: شهر اهواز)، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره 51، شماره 4، صص 891-909.
18. مرادی، فاطمه؛ سعیده زرآبادی، زهرا سادات؛ ماجدی، حمید، 1398، واکاوی اصول بازآفرینی شهری فرهنگ - مینا با رویکرد ارتقای رقابت پذیری، مجله باغ نظر، سال شانزدهم، شماره 70، فروردین.
19. مرید سادات، پگاه؛ محمدیان، سجاد، 1397، مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری مطالعه موردی: محله خیرآباد بیرجند، دوره 11، شماره 42، صص 139-164.
20. منوریان، عباس؛ نرگسیان، عباس؛ فتاحی، مهدی؛ واثق، بهاره، 1389، بررسی رابطه بین پاسخ گویی عمومی، مشارکت عمومی و اعتماد عمومی در سازمان های دولتی مناطق 22 گانه شهر تهران، پژوهش های مدیریت در ایران، دوره 14، شماره 3، صص 251-274.
21. مودنی، کیمیا؛ رفیعیان، مجبئی؛ ایزدی، محمد سعید، 1398، ارزش گذاری مولفه ها و شاخص های بازآفرینی پایدار رود دره های شهری تهران، مطالعه موردی: رود دره درکه، فصلنامه شهر پایدار، دوره 2، شماره 4، صص 68-82.

land use policy, vol 99, 104865, <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104865>.

36. Marti, Pablo. Garcia-mayer, glara., Serrano-Estrada, Leticia., 2019, Identifying opportunity places for urban regeneration through LBSNs, cities, vol 90, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.02.001>.

37. Rashidi Ebrahim Hesari A, Mousavi SCh, Bahmand D, Samadi R.2012. Prioritizing the Sustainable Development Components and its Role in the improvement of Urban Effete Fabrics with group Analytical Hierarchy Process (AHP): A Central Part of Isfahan City Case Study, Journal. Civil Eng. Urban. 2(3): 86-91.

38. Shaw, K., and Butler, T..2020. Urban Regeneration, International Encyclopedia of Human Geography (Second Edition), PP. 97-103.

39. Strykiewicz ,T, Kudlak ,R, Ciesiółka, P, Kołsut ,B & Motek, P .2018. Urban regeneration in Poland's non-core regions, European Planning Studies, 26:2, 316-341.

40. Zabel, ralf., kwon, Youngsang. 2020, Evolution of urban development and regeneration funding programs in German cities, cities, vol 102, 102731.

31. Levasseur .M. et al., 2010, Inventory and Analysis of Definitions of Social Participation Found in the aging Literature: Proposed Taxonomy of Social Activities, Social Science & Medicine, No:71.

32. Li, xun., Zhang, fan., hui, eddie chi-man., lang, wei. 2020, Collaborative workshop and community participation: A new approach to urban regeneration in China, cities, vol 102, 102743, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102743>.

33. Luda.2003,Appraisal of Urban Rehabilitation Literature and Projects, Including a Glossary of Terms and a Preliminary Set of Indicators Characterising LUDA. Large Scale Urban Distressed Areas (LUDA), Dresden.

34. Mamas, Christoforos, Daly, Alan J., Cohen, Shana R., Jones, Gabrielle.,. 2020, Social participation of students with autism spectrum disorder in general education settings, learning, culture and social interaction, vol 28, <https://doi.org/10.1016/j.lcsi.2020.100467>.

35. Manganelli,. Benedetto., Sabina; Tataranna Piergiuseppe., Pontrandolfi. 2020, A model to support the decision-making in urban regeneration,

Assessing the role of social factors on citizens participation in Regeneration of Urban Inefficient Textures (Case Study: Birjand City)

Abstract

The urban regeneration approach provides an integrated strategy of the decision-making process that is inclusive, competitive, and environmentally-socially sustainable. In the meantime; People's participation in the decision-making process of urban activities has been one of the key elements of a democratic and popular government, and increasing the social participation of people in urban affairs and programs can play a valuable role in creating the necessary balance, coordination and equilibrium between different sections of society. Therefore, the purpose of this study is investigate the role of social participation in the regeneration of inefficient texture in Birjand and according to the goals it pursues in the field of applied research and in terms of nature and method of descriptive-analytical based on statistical analysis methods. The method of data and information collection in this research is field and library methods. Therefore, in the analysis of the obtained data, first using the Smirnov-Kolmogorov test, the variables were normal or abnormal and the obtained data were tested that all of which had significant levels above 0.05, which indicates the normality of the data. To analyze each of the hypotheses, Pearson correlation test, one-sample t-test, univariate linear regression and VIKOR model were used to inefficient textures rating in terms of social participation in urban regeneration. The statistical population of the present study includes residents of six inefficient texture in one region of Birjand city with a sample size of 371. The results showed that the level of social participation of residents of Birjand inefficient textures in urban regeneration projects is low and insufficient and the most effective factor in increasing public participation in regeneration projects these textures is a transparency and trust component. There is also a direct relationship between social participation of residents of inefficient textures of Birjand with type of gender, marital status, and education, age, type of job, type of ownership, residence history, economic status and social status. Leveling of inefficient textures in terms of social participation in urban regeneration with VIKOR model showed that Javadiyeh and Kargarane neighborhoods are in optimal condition and Chahar Drakht and 17 Shahrivar neighborhoods are in semi-optimal condition and Tehdeh and Musa Ibn Jafar neighborhoods are in non optimal condition.

Keywords: *social participation, regeneration, inefficient texture, Birjand city*